

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/08/08

### روایت صحیح بخاری در چگونگی تشریح نماز :

قسم دوم از روایات، روایاتی است که تشریح اذان را به پیشنهاد شخص عمر بن خطاب می‌داند. در این زمینه در صحیح بخاری روایتی داریم:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ غَيْلَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ جُرَيْجٍ قَالَ أَخْبَرَنِي نَافِعُ أَنَّ ابْنَ عُمَرَ كَانَ يَقُولُ كَانَ الْمُسْلِمُونَ حِينَ قَدِمُوا الْمَدِينَةَ يَجْتَمِعُونَ فَيَتَحَيَّنُونَ الصَّلَاةَ لَيْسَ يَنَادِي لَهَا فَتَكَلَّمُوا يَوْمًا فِي ذَلِكَ فَقَالَ بَعْضُهُمْ انْخَذُوا نَاقُوسًا مِثْلَ نَاقُوسِ النَّصَارِيِّ وَقَالَ بَعْضُهُمْ بَلْ بُوْقًا مِثْلَ قَرْنِ الْيَهُودِ فَقَالَ عُمَرُ أَوْلَا تَبْعَثُونَ رَجُلًا يَنَادِي بِالصَّلَاةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بِلَالُ قُمْ فَتَادِ بِالصَّلَاةِ

وقتی مسلمان‌ها آمدند و در مدینه مستقر شدند، وقتی برای نماز جماعت دعوت می‌شدند راهی نبود تا همه را از آن با خبر کنند. تا این که روزی با هم صحبت کردند و به توافق رسیدند که برای این که برای نماز ندای عمومی داده شود تا مردم در نماز جماعت حضور پیدا کنند، بعضی از صحابه گفتند: ناقوسی مثل ناقوس نصاری بگیریم و در آن بدمیم تا مردم متوجه وقت نماز جماعت شوند. بعضی گفتند: از شیپوری استفاده کنیم مثل شیپوری که از شاخ حیوان ساخته می‌شود و یهودی‌ها در آن فوت می‌کنند و صدا می‌کند. تا این که عمر گفت: آیا نمیخواهید کسی را برای خبر ساختن مردم از نماز انتخاب کنید؟ از این رو رسول خدا دستور داد تا بلال مردم را برای نماز خبر کند.

صحیح البخاری، ج 1، ص 219، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256، دار النشر:

دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا.

صحیح مسلم، ج 1، ص 285، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي.

این روایت در صحیح مسلم هم آمده است.

**اذان بدون شهادت بر رسالت پیامبر اکرم(ص) :**

دسته سوم از روایات این است که می گوید: ابتدا عمر بن خطاب اذان را به این شکل آورد:

الله اكبر الله اكبر اشهد ان لا اله الا الله حي علي الصلاة

یعنی: شهادت بر رسالت در اذان نبود. جناب عمر بن الخطاب به قدری علاقه مند و دلسوز و عاشق حضرت بود که

برای اعتلای نام نبی مکرم پیشنهاد کرد تا در کنار شهادت به وحدانیت خداوند، شهادت به رسالت پیامبر هم داده

شود.

ابن خزیمه در صحیحش از عبد الله بن نافع از پدرش آن هم باز از عبد الله عمر روایت کرده است:

حدثنا بندار نا أبو بكر يعني الحنفي نا عبد الله بن نافع عن أبيه عن بن عمر أن بلالا كان يقول أول ما أذن أشهد أن لا

إله إلا الله حي علي الصلاة فقال له عمر قل في إثرها أشهد أن محمد رسول الله فقال رسول الله صلي الله عليه وسلم

قل كما أمرك عمر

بلال در ابتدا این گونه اذان میگفت: أشهد أن لا إله إلا الله حي علي الصلاة تا این که عمر به آن اضافه کرد أشهد أن م حمد رسول الله از این رو پیامبر اکرم به عمر فرمود: همان گونه که عمر تو را امر کرد اذان بگو.

صحيح ابن خزيمة، ج 1، ص 188 و 187، اسم المؤلف: محمد بن إسحاق بن خزيمة أبو بكر السلمي النيسابوري الوفاة: 311 ، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - 1390 - 1970، تحقيق: د. محمد مصطفي الأعظمي

گرچه بحث ما در باره بودن و یا نبودن شهادت بر رسالت پیامبر در اذان نیست، که آن بحثی جداگانه است، ولی به عللی ما بحثمان در این است که آیا این اذان که تشریح شد به چه شکلی تشریح شد؟ این روایت می گوید: فقط می گفتند: اشهد ان لا اله الا الله، حي علي الصلاة، بعد عمر بن خطاب که سال هفتم یا بنا به نقلی سال هشتم، اسلام آورده و در این هشت سال تمام مردم خدا را عبادت می کرده اند و نماز می خوانده اند و او بت می پرستیده است ولی آقای عمری که سال ها مشغول بت پرستی بوده است و خیلی از مردم به خاطر ترس از او جرأت اسلام آوردن نداشتند این قدر دلسوز شده که در سال اول هجرت می آید و می گوید: ای پیامبر! شما در کنار اشهد ان لا اله الا الله شهادت به رسالت پیامبر را فراموش نکنید.

### دریافت مستقیم اذان از جبرئیل توسط عمر بن خطاب :

از این بالاتر دسته بعدی روایات است که می گوید: عمر اذان را مستقیماً از جبرئیل امین گرفت است. یعنی پیامبر اکرم، عبد الله بن زید، ابوبکر و دیگر صحابه نقشی نداشته اند. اصلاً تشریح اذان توسط عمر بن خطاب و به استناد دریافت مسیقیم او از جبرئیل صورت گرفته است.

به این روایت توجه کنید:

أَوَّلُ مَنْ أَدَّنَ فِي السَّمَاءِ جِبْرِيْلُ فَسَمِعَهُ عُمَرُ وَبِلَالٌ فَأَقْبَلَ عُمَرُ فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ بِمَا سَمِعَ  
فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ سَبَقَكَ عُمَرُ يَا بِلَالُ أَدَّنَ كَمَا سَمِعْتَ قَالَ ثُمَّ أَمَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَضَعَ أُضْبَعِيهِ فِي أُذُنَيْهِ اسْتِغَانَةً بِهِمَا  
عَلَى الصَّوْتِ

اولین کسی که در آسمان اذان گفت جبرائیل بود. عمر و بلال هر دو از جبرئیل شنیدند و عمر این موضوع را به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانید، ولی وقتی بلال آمد نزد رسول خدا و قضیه را به عرض رسول خدا رسانید پیام بر اکرم فرمود: قبل از تو عمر آمد و این خبر را اطلاع داد، تو به همان شکل که شنیدی اذان بگو. و رسول خدا صلی الله علیه و آله بلال را امر نمود تا به هنگام اذان گفتن دست های خود را در گوش های خود بگذارد تا به صدایت کمک شود.

مسند الحارث (زوائد الهیثمی)، ج 1، ص 245، بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث، اسم المؤلف: الحارث بن أبي أسامة / الحافظ نور الدين الهيثمي الوفاة: 282، دار النشر: مركز خدمة السنة والسيرة النبوية - المدينة المنورة - 1413 هـ - 1992، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. حسين أحمد صالح الباكري

المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، ج 3، ص 70، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر العسقلاني الوفاة: 852، دار النشر: دار العاصمة / دار الغيث - السعودية - 1419 هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشثري.

البته در این روایت اسمی هم از بلال آورده اند تا کمی از حساسیت آن کم شود و شبهه ای در جعلی بودن روایت پیش نیاید.